

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منبر مکتوب با موضوع

مراحل زندگی امام خمینی ره با استفاده از آیات قرآن



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

...الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

...اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ ابْنَ الْحَسَنِ

امام خمینی ره

مراحل زندگی امام خمینی ره را از آیات قرآن میشود استخراج کرد یعنی حضرت امام زندگی به قرآن وصل بود لذا توجه شما را به این تطبیق در این بحث کوتاه جلب مینمایم

۱- کودکی حضرت امام : یتیم بود و با یتیمی بزرگ شد -

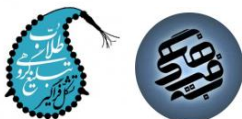
ألم يجدك يتيماً فآوى و وجدك ضالاً فهدى (ضحى/ ۶ و ۷)

۲- طلبگی حضرت امام: احساس وظیفه نمودن او برای طلبه شدن -

فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا فى الدين (توبه/ ۱۲۲)

۳- حوزه علمیه: در حوزه ای بود که همه از بهترین ها بودند-

فیه رجال یحبون ان یتطهروا (توبه/ ۱۰۸)



مسجدی را برای درس و بحث و نماز بر اساس تقوا زنده کرد -۴

لمسجد اسس علی التقوی (توبه/۱۰۸)

او برای بزرگ کردن نام خود قدم برداشت اما خدا نام او را بعنوان مرجعیت بزرگ کرد و خدا آوازه او را بلند کرد -۵

و رفعنا لک ذکرک (انشراح/۴)

داستان:

در تشییع جنازه آقای بروجردی بنا گذاشتند او را بزرگ کنند به همین خاطر شرکت نکرد و پس از فوت ایشان به خاطر پرهیز از شهرت مجلس فاتحه ای نگرفت مگر پس از گذشت دو هفته که دستور دادند اسم بزنند

آغاز مبارزه او برگرفته از مبارزه پیامبران با ظالمان بود -۶

اذهب الی فرعون انه طغی (طه/۲۴)

: آنها که طاغوت را بزرگ میپنداشتند و انقلاب امام را از بابت این انقلاب مسخره میکردند قرآن جواب میدهد-۷

انا کفیناک المستهزئین (حجر/۹۵)

: برای انقلاب کردن باید از هیچ قدرتی نترسید-۸

لایخافون لومۀ لائم (مائده/۵۴)

داستان:

در سال ۱۳۴۳ در مسجد اعظم فرمود: والله در عمرم نترسیدم، حتی دو مأمور مقام بالا که دو طرفم بودند میلرزیدند و آنها را دلداری میدادم

: برای انجام رسالت تبلیغ دین خدا باید شهامت داشت -۹

الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لایخشون احدا الا الله و کفی بالله حسیبا (احزاب/۳۹)

داستان:



ساواک پیشنهاد کرد انتقاد از دولت آزاد است لکن نام شاه و اسرائیل را نبرید و کلمه اسلام در خطر است را نبرید امام در سیزده خرداد بیش از ده سطر در مورد اسرائیل سخن گفت. بعد خطاب به شاه گفت: ای بدبخت، بیچاره، ۴۵ سال از عمرت می‌رود، کمی فکر کن (سرگذشتها ج ۱ ص ۸۲)

: برای دین خدا باید زندان را نیز دوست داشت- ۱۰

رب السجن احب الی (یوسف/۳۳)

امام خمینی در عصر عاشورای سال ۱۳۸۳ هجری قمری (۱۳ خرداد ۱۳۴۲ شمسی) در مدرسه فیضیه نطق تاریخی . خویش را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود ایراد کرد

: در همین سخنرانی بود که امام خمینی با صدای بلند خطاب به شاه فرمود

آقا من به شما نصیحت می‌کنم، ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم دست بردار از این کارها، آقا اغفال می‌کنند تو را. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند... اگر دیکته می‌دهند دستت و می‌گویند بخوان، در اطرافش فکر کن... نصیحت مرا بشنو... ربط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت مگر شاه اسرائیلی است؟... می‌گویند از اسرائیل حرف نزنید

شاه فرمان خاموش کردن قیام را صادر کرد. نخست جمع زیادی از یاران امام خمینی در شامگاه ۱۴ خرداد دستگیر و ساعت سه نیمه شب (سحرگاه پانزده خرداد ۴۲) صدها کماندوی اعزامی از مرکز، منزل حضرت امام خمینی را محاصره کردند و ایشان را در حالیکه مشغول نماز شب بود دستگیر و سراسیمه به تهران برده و در بازداشتگاه باشگاه افسران زندانی کردند و غروب آنروز به زندان قصر منتقل نمودند. صبحگاه پانزده خرداد خبر دستگیری رهبر انقلاب به تهران، مشهد، شیراز و دیگر شهرها رسید و وضعیتی مشابه قم پدید آورد

نزدیکترین ندیم همیشگی شاه، تیمسار حسین فردوست در خاطراتش از بکارگیری تجربیات و همکاری زنده ترین مأمورین سیاسی و امنیتی آمریکا برای سرکوب قیام و همچنین از سراسیمگی شاه و دربار و امرای ارتش و ساواک در این ساعات . پرده برداشته و توضیح داده است که چگونه شاه و ژنرالهایش دیوانه وار فرمان سرکوب صادر می‌کردند . امام خمینی، پس از ۱۹ روز حبس در زندان قصر به زندانی در پادگان نظامی عشرت آباد منتقل شد



با دستگیری امام خمینی و کشتار وحشیانه مردم در روز ۱۵ خرداد ۴۲، قیام ظاهرا سرکوب شد. امام خمینی در حبس از با شهامت و اعلام اینکه هیئت حاکمه در ایران و قوه قضائیه آنرا غیر قانونی و فاقد پاسخ گفتن به سؤالات بازجویان بدون اطلاع قبلی، امام خمینی آزاد و به قم منتقل ۱۳۴۳ صلاحیت می داند، اجتناب ورزید. در شامگاه ۱۸ فروردین سال می شود. به محض اطلاع مردم، شادمانی سراسر شهر را فرا می گیرد و جشنهای باشکوهی در مدرسه فیضیه و شهر به مدت چند روز بر پا می شود. اولین سالگرد قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۳ با صدور بیانیه مشترک امام خمینی و دیگر مراجع تقلید و بیانیه های جداگانه حوزه های علمیه گرامی داشته شد و به عنوان روز عزای عمومی معرفی شد

: برخی از پیامبران را از شهر بیرون میکردند یا تبعید میکردند برای دین خدا باید سختی تبعید را به جان خرید -۱۱

أخرجوا من ديارهم (حج / ۴۰)

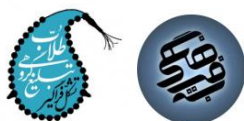
آبان ۱۳۴۳ کماندوهای مسلح اعزامی از تهران، منزل امام خمینی در قم را محاصره کردند. شگفت آنکه وقت ۱۳ سحرگاه باز داشت، همانند سال قبل مصادف با نیایش شبانه امام خمینی بود. حضرت امام خمینی بازداشت و به همراه نیروهای امنیتی مستقیما به فرودگاه مهرآباد تهران اعزام و با یک فروند هواپیمای نظامی که از قبل آماده شده بود، تحت الحفظ مامورین امنیتی و نظامی به آنکارا پرواز کرد. عصر آنروز ساواک خبر تبعید امام خمینی را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور! در روزنامه ها منتشر ساخت

اقامت امام در ترکیه یازده ماه به درازا کشید در این مدت رژیم شاه با شدت عمل بی سابقه ای بقایای مقاومت را در ایران در هم شکست و در غیاب امام خمینی به سرعت دست به اصلاحات آمریکا پسند زد. اقامت اجباری در ترکیه فرصتی مغتنم برای امام بود تا تدوین کتاب بزرگ تحریر الوسيله را آغاز کند

:تبعید امام خمینی از ترکیه به عراق

مهرماه ۱۳۴۳ حضرت امام به همراه فرزندشان آیه الله حاج آقا مصطفی از ترکیه به تبعیدگاه دوم، کشور عراق ۱۳ روز اعزام شدند. امام خمینی پس از ورود به بغداد برای زیارت مرقد امة اطهار(ع) به شهرهای کاظمین، سامرا و کربلا شتافت و یک هفته بعد به محل اصلی اقامت خود یعنی نجف عزیمت کرد

دوران اقامت طولانی و ۱۳ ساله امام خمینی در نجف در شرایطی آغاز شد که هر چند در ظاهر فشارها و محدودیتهای مستقیم در حد ایران و ترکیه وجود نداشت اما مخالفتها و کارشکنیها و زخم زبانها نه از جبهه دشمن رویارو بلکه از



ناحیه روحانی نمایان و دنیا خواهان مخفی شده در لباس دین آنچنان گسترده و آزاردهنده بود که امام خمینی با همه صبر و بردباری معروفش بارها از سختی شرایط مبارزه در این سالها به تلخی تمام یاد کرده است. ولی هیچیک از این مصائب و دشواریها نتوانست او را از مسیری که آگاهانه انتخاب کرده بود باز دارد.

امام خمینی سلسله درسهای خارج فقه خویش را با همه مخالفتها و کارشکنی های عناصر مغرض در آبان ۱۳۴۴ در مسجد شیخ انصاری (ره) نجف آغاز کرد که تا زمان هجرت از عراق به پاریس ادامه داشت

برای دین خدا اگر نیاز به هجرت شد باید هجرت کرد-۱۲

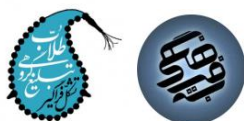
الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا (نحل/۱۱۰)

داستان:

در سال ۱۳۵۷، وقتی که نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی به اوج خود رسیده بود، رژیم شاه پس از آنکه از سکوت امام نا امید شد، دست به فعالیت های سیاسی برای محدود کردن ایشان و یا اخراج ایشان از عراق زد. به همین جهت رژیم عراق منزل ایشان را در نجف محاصره کرد و رفت و آمدها کنترل و محدود گردید. امام که به هیچ وجه حاضر به ترک مبارزه نبودند تصمیم به مهاجرت از عراق به سمت سوریه گرفتند اما به علت تیرگی روابط عراق و سوریه، قرار شد که از طریق کویت عازم سوریه شوند. با آنکه جهت ورود به کویت، ویزا صادر شده بود، پس از رسیدن به مرز کویت، مقامات دولت کویت دستور جلوگیری از ورود ایشان به خاک کویت را صادر کردند. امام شب را در بصره گذراندند و تصمیم گرفتند به پاریس هجرت کنند. به هنگام هجرت به پاریس در پیامی به ملت ایران، دلایل این هجرت را چنین بیان نمودند

«اکنون که من به ناچار باید ترک جوار امیرالمؤمنین علیه السلام را نمایم و در کشورهای اسلامی دست خود را برای خدمت " به شما ملت محروم که مورد هجوم همه جانبه اجانب و وابستگان به آنان هستید، باز نمی بینم و از ورود به کویت با داشتن اجازه، ممانعت نموده اند، به سوی فرانسه پرواز می کنم. پیش من مکان معینی مطرح نیست؛ عمل به تکلیف الهی مطرح است. مصالح عالییه اسلام و مسلمین مطرح است. ما و شما، امروز که نهضت اسلامی به مرتبه حساسی رسیده است، مسؤول هستیم. اسلام از ما انتظار دارد

به این ترتیب، عصر روز ۱۴ مهر ماه ۱۳۵۷، امام و همراهان به بغداد منتقل شده و روز بعد، هجرتی تاریخی را در راه رضای خدا انجام دادند و در آنجا پس از توقفی کوتاه در پاریس در دهکده ای به نام «نوفل لوشاتو» اقامت کردند. اقامت ایشان در



فرانسه بر خلاف تصور رژیم شاه، باعث تسریع در انقلاب شد و هر روز سیل خبرنگاران و عکاسان و ... به دیدار امام می‌شتافتند؛ به طوری که، این دهکده کوچک به کانون مهمترین اخبار جهان تبدیل شد و پس از چند ماه منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید.

